

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان

تحلیل تطبیقی پنج نگاره از جامع التواریخ با پنج نگاره از دوره کیلیکیه

استاد راهنما:

دکتر مهدی حسینی

استاد پروژه عملی:

دکتر مهدی حسینی

استاد مشاور:

دکتر امیر نصری

نگارش و تحقیق:

آدنا میرزاخانیاں

زمستان ۱۳۹۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان

تحلیل تطبیقی پنج نگاره از جامع التواریخ با پنج نگاره از دوره کیلیکیه

استاد راهنما:

دکتر مهدی حسینی

استاد پروژه عملی:

دکتر مهدی حسینی

استاد مشاور:

دکتر امیر نصری

نگارش و تحقیق:

آدنا میرزاخانیاں

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

پدرم، استوارترین تکیه گاهم، بزرگواری که الفبای زندگی را از او آموختم. مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق، که دامن پر مهرش یگانه پناهم است، مهربانی که عشق ورزیدن را از او آموختم. برادرم، همسفر مهربان زندگی، که صفایش مایه آرامش و وجودش دلگرمی من است. خاله نازنینم، که همواره چتر محبتش بر سرم است، و بدون وجود او طی این مسیر، رویایی بیش نبود و استادان عزیزم که در این راه مرا یاری نمودند.

تعهد نامه:

اینجانب آدنا میرزاخانین اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار توسط اینجانب انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی با ذکر ماخذ کامل و به شیوه علمی صورت گرفته است. بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود، مسئولیت آن به عهده اینجانب خواهد بود.

امضا و تاریخ

سپاسگزاری:

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم .
با تقدیر و تشکر شایسته از استاد گران قدر، آقای دکتر مهدی حسینی، که زحمت راهنمایی این رساله و پروژه عملی را بر عهده گرفتند، و از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و با راهنمایی های هنرمندانه و ظریفشان همواره راهنما و راه گشای من در تدوین و تکمیل پایان نامه ام بودند.

با سپاس بیکران از مساعدت های بی شائبه ی استاد محترم مشاورم، جناب آقای دکتر امیر نصری.
تشکر ویژه از زحمات استاد گران قدر، آقای سعید روانبخش که خودباوری را به من آموختند و صادقانه تجربیات ارزشمندشان را در اختیار من گذاشتند. و سپاس فراوان، از اساتید محترم، آقای حسینعلی ذابحی، آقای دکتر جمال عرب زاده، آقای رضا خدادادی، آقای دکتر همایون سلیمی و آقای دکتر ایرج اسکندری که با راهنمایی های فراوانشان راه رسیدن به امروز را برایم هموار کردند.
و با تشکر خالصانه از همه کسانی که به نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نموده اند. مهربانی تان را قدر می دانم و آنرا در سیلوی جان نگهداری خواهم کرد.

چکیده:

پایان نامه ای که پیش رو دارید به تحلیل تطبیقی پنج نگاره از جامع التواریخ با پنج نگاره از دوره کیلیکیه در فاصله قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن چهاردهم میلادی می پردازد. به این ترتیب در این پژوهش تلاش خواهد شد تا در کنار تجزیه و تحلیل شمایل نگارانه پنج نگاره از پیامبران؛ از طریق بررسی آثار نگارگری مکتب ایلخانی (تبریز اول) و کیلیکیه، امکان آشنایی بیشتری با بن مایه های تأثیر گذار در روند شکل گیری این مکاتب به مثابه سازنده بخش مهمی از فرهنگ های ارمنی و ایرانی فراهم شود.

میراث فرهنگی گران بهایی از ایلخانان و پادشاهی کیلیکیه به یادگار باقی مانده است که در این میان آثار برجسته نگارگری آنها قابل توجه می باشد. شالوده فعالیت این مکاتب، پیوستگی و ادغام فرهنگ های مختلف - که در آن ایرانیان و مغولان با عربان، ترکان، چینی ها، ارمنیان، بیزانسیان، و اهالی اروپای غربی آمیخته بودند - در یک کل منسجم است. آنان در مسیر طولانی پیشرفت خویش، ضمن مرآوده با ملل گوناگون، به نوبه خود به پیشرفت یکدیگر مساعدت کرده اند، که این امر به خصوص در دوره استیلای مغولان به وضوح دیده می شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، سعی در آشکارسازی نگاه مشترک و بینش هنرمندانه شکل دهنده این آثار در فاصله قرن دوازدهم و چهاردهم میلادی دارد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده، سیر تحول نگارگری ایلخانان و کیلیکیه، در عین تفاوت ها و اشتراکات، خالق آثاری با بنیان های قرون وسطایی هستند. مؤلفه های شکل دهنده این آثار عمدتاً از طریق دین محقق می شد، در نتیجه هنر یکی از طرق تجلی آن بود. علاوه بر اندیشه های بدعت گذارانه و جریانات نوین فکری، رویدادهای سیاسی - اقتصادی نیز در روند شکل گیری این هنرها تأثیر داشتند.

کلید واژگان: کیلیکیه، ایلخانان، جامع التواریخ، توروس روسلین، خواجه رشید الدین

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ث	تعهدنامه
ج	سپاسگزاری
ح	چکیده
خ	فهرست مطالب
ر	فهرست تصاویر
۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۱	۱-۱ مقدمه
۲	۱-۲ بیان مسئله
۳	۱-۳ پیشینه پژوهش
۴	۱-۴ اهمیت و ضرورت پژوهش
۵	۱-۵ اهداف کلی و تفصیلی پژوهش
۵	۱-۶ سؤالات و فرضیه های پژوهش
۵	۱-۷ روش و شیوه های مورد استفاده پژوهش
۶	فصل دوم: کیلیکیه (مروری بر زمینه های تاریخی پژوهش)
۶	۲-۱ بررسی تاریخی کیلیکیه
۷	۲-۲ سیاست
۸	۲-۲-۱ مهاجرت ارامنه به کیلیکیه
۸	۲-۲-۲ سلسله روبنی
۱۲	۲-۲-۲-۱ سلسله هتومی
۱۴	۲-۲-۲-۲ تلاش برای بقای حکومت
۱۶	۲-۲-۲-۳ سقوط پادشاهی
۱۸	۲-۳ جنبه های فرهنگی

۱۸	۲-۴) جنبه های اقتصادی
۱۸	۲-۴-۱) کشاورزی و صنعت
۱۹	۲-۴-۲) بازرگانی

۲۳ فصل سوم: ایلخانان (مروری بر زمینه های تاریخی پژوهش)

۲۳	۳-۱) بررسی تاریخی دنیای مغول
۲۵	۳-۲) وضعیت سیاسی و اجتماعی
۲۶	۳-۲-۱) گرایشات مذهبی مغولان
۲۸	۳-۲-۱-۱) اسلام در دوره ایلخانان مغول
۳۰	۳-۳) احوال رشید الدین فضل الله
۳۲	۳-۳-۱) ویژگی سیاسی رشید الدین
۳۳	۳-۴) اقتصاد و تولید
۳۳	۳-۴-۱) کشاورزی
۳۳	۳-۴-۲) بازرگانی
۳۴	۳-۴-۳) بافت و ساخت پارچه

۳۵ فصل چهارم: جریانات هنری نگارگری کیلیکیه

۳۵	۴-۱) مراکز هنری
۳۶	۴-۱-۱) مکتب خانه هرومکلا
۴۰	۴-۱-۱-۱) توروس روسلین
۴۵	۴-۱-۲) مکتب خانه اسکورا
۴۸	۴-۱-۳) مکتب خانه گرغر
۵۱	۴-۱-۴) مرکز هنری سیس
۵۲	۴-۱-۴-۱) سرکیس پیتساک
۵۵	۴-۲) حامیان هنری
۵۵	۴-۲-۱) روحانیون
۵۷	۴-۲-۱) خانواده سلطنتی

۶۲	فصل پنجم: نگارگری در دوره ایلخانان
۶۲	۵ - ۱) تاریخ نگاری در دوره ایلخانی
۶۳	۵ - ۲) جامع التواریخ
۶۴	۵ - ۲ - ۱) بخش های جامع التواریخ و ترکیب آن
۶۴	۵ - ۲ - ۲) منابع تألیف جامع التواریخ
۶۶	۵ - ۳) ربع رشیدی
۶۸	۵ - ۴) هنر نقاشی در عهد ایلخانی
۶۹	۵ - ۴ - ۱) مکتب تبریز اول
۷۱	۵ - ۴ - ۲) ویژگی نگاره های جامع التواریخ
۷۶	۵ - ۴ - ۳) هنرمندان احتمالی جامع التواریخ
۷۹	فصل ششم: تحلیل توصیفی و تطبیقی نگاره ها
۸۰	۶ - ۱) یونس و ماهی
۱۰۱	۶ - ۲) مرگ و تدفین
۱۱۲	۶ - ۳) میلاد
۱۲۳	۶ - ۴) بشارت
۱۳۳	۶ - ۵) عبور از دریای سرخ
۱۴۰	نتیجه نهایی
۱۴۴	منابع و مأخذ
۱۵۰	پیوست ۱) منابع تصویری
۱۵۵	پیوست ۲) منابع نقشه
۱۵۶	پیوست ۳) جدول
۱۶۲	پیوست ۴) پروژه عملی
۱۷۰	چکیده انگلیسی

فهرست تصاویر

صفحه

عنوان

فصل دوم: کیلیکیه (مروری بر زمینه های تاریخی پژوهش)

۲۱ (تصویر ۲ - ۱): اسقف جان جوانی را به مقام کشیشی منصوب می سازد

فصل چهارم: جریانات هنری نگارگری کیلیکیه

۳۷ (تصویر ۴ - ۱): صفحه عنوان انجیل مرقس

۳۸ (تصویر ۴ - ۲): مرقس انجیل نویس

۳۸ (تصویر ۴ - ۳): یوحنا انجیل نویس

۳۹ (تصویر ۴ - ۴): مرقس انجیل نویس

۴۴ (تصویر ۴ - ۵): داوری واپسین

۴۵ (تصویر ۴ - ۶): غسل تعمید مسیح

۴۶ (تصویر ۴ - ۷): گریگور نارکاتسی

۴۷ (تصویر ۴ - ۸): گریگور نارکاتسی در حال عبادت مسیح

۴۹ (تصویر ۴ - ۹): سنگسار استفانوس مقدس

۵۰ (تصویر ۴ - ۱۰): تقدیم نامه

۵۰ (تصویر ۴ - ۱۱): یوحنا انجیل را به پروکروس دیکته می کند

۵۱ (تصویر ۴ - ۱۲): تصلیب مسیح

۵۲ (تصویر ۴ - ۱۳): تصویر خانواده سلطنتی (پادشاه لوون سوم، ملکه کران و فرزندان آنها)

۵۴ (تصویر ۴ - ۱۴): مرگ مریم عذرا

۵۴ (تصویر ۴ - ۱۵): متی انجیل نویس

۵۸ (تصویر ۴ - ۱۶): مسیح در حال برکت بخشیدن به شاهزاده لوون و شاهزاده کران

۶۰ (تصویر ۴ - ۱۷): مریم عذرا در حال شفاعت برای شاهزاده واساک و پسرانش

فصل پنجم: نگارگری در دوره ایلخانان

- ۷۴ (تصویر ۵ - ۱): دو فیل
- ۷۴ (تصویر ۵ - ۲): شاکيامونی (بودا) به شیطان میوه تعارف می کند
- ۷۵ (تصویر ۵ - ۳): نخستین امپراتور شانگ

فصل ششم: تحلیل توصیفی و تطبیقی نگاره ها

- ۸۰ (تصویر ۶ - ۱): یونس و ماهی
- ۸۱ (تصویر ۶ - ۲): (بخشی از اثر) پارچه ابریشمی
- ۸۲ (تصویر ۶ - ۳): کوهستان هند
- ۸۳ (تصویر ۶ - ۴): بیشه یاتاوانا (درخت بودا)
- ۸۴ (تصویر ۶ - ۵): راهبی در جنگل
- ۸۵ (تصویر ۶ - ۶): حضرت یونس و ماهی (یونس اندر دهان ماهی شد)
- ۸۶ (تصویر ۶ - ۷): یونس و ماهی
- ۸۷ (تصویر ۶ - ۸): کشتی حضرت نوح
- ۸۸ (تصویر ۶ - ۹): یونس و ماهی
- ۸۹ (تصویر ۶ - ۱۰): بخشی از نقش برجسته حجاری شده در طاق بستان
- ۹۱ (تصویر ۶ - ۱۱): قطعه ای از نقش برجسته گچی
- ۹۱ (تصویر ۶ - ۱۲): بلوک حکاکی شده بر سنگ آهک
- ۹۲ (تصویر ۶ - ۱۳): انداختن یونس به دریا؛ یونس نشسته در زیر کدو در حالی که نینوائیان به او نزدیک می شوند
- ۹۴ (تصویر ۶ - ۱۴): یونس و ماهی
- ۹۶ (تصویر ۶ - ۱۵): انداختن یونس به دهان ماهی (به دریا)
- ۹۷ (تصویر ۶ - ۱۶): صفحه عنوان
- ۹۹ (تصویر ۶ - ۱۷): خروج یونس از دهان ماهی
- ۱۰۰ (تصویر ۶ - ۱۸): (بخشی از اثر) نمونه ای از امواج در پارچه چینی
- (تصویر ۶ - ۱۹): مرگ موسی (حضرت موسی (ع) چون زمان مرگ خود را فرا دید به خارج از شهر رفت و بر صخره ای بمرد)
- ۱۰۱
- ۱۰۳ (تصویر ۶ - ۲۰): ابو زید و الحریث
- ۱۰۳ (تصویر ۶ - ۲۱): خدمتگزار صومعه (پرتره تصویر شده در حاشیه جدول خوران)

- ۱۰۳ (تصویر ۶ - ۲۲): خدمتگزار صومعه (پرتره تصویر شده در حاشیه جدول خوران)
- ۱۰۴ (تصویر ۶ - ۲۳): پایین آوردن از صلیب و تدفین
- ۱۰۶ (تصویر ۶ - ۲۴): مریم عذرا و کودک نشسته بر تخت، همراه قدیسین
- ۱۰۷ (تصویر ۶ - ۲۵): پایین آوردن مسیح از صلیب
- ۱۱۰ (تصویر ۶ - ۲۶): خاک سپاری مسیح
- ۱۱۲ (تصویر ۶ - ۲۷): تولد حضرت محمد (ص)
- ۱۱۵ (تصویر ۶ - ۲۸): میلاد مسیح
- ۱۱۸ (تصویر ۶ - ۲۹): میلاد مسیح
- ۱۲۰ (تصویر ۶ - ۳۰): (بخشی از تخته نگاره سه لتی) میلاد مسیح
- ۱۲۰ (تصویر ۶ - ۳۱): میلاد مسیح
- ۱۲۱ (تصویر ۶ - ۳۲): میلاد مسیح
- ۱۲۳ (تصویر ۶ - ۳۳): بشارت
- ۱۲۴ (تصویر ۶ - ۳۴): بشارت
- ۱۲۵ (تصویر ۶ - ۳۵): بشارت تولد مسیح به مریم
- ۱۲۷ (تصویر ۶ - ۳۶): بلانش از کاستیل و پادشاه لویی نهم فرانسه
- ۱۲۸ (تصویر ۶ - ۳۷): بشارت
- ۱۲۹ (تصویر ۶ - ۳۸): بشارت
- ۱۳۱ (تصویر ۶ - ۳۹): بشارت تولد مسیح به مریم؛ عیسی طفل را به خانه خدا می برند
- ۱۳۳ (تصویر ۶ - ۴۰): موسی و هارون و بنی اسرائیل، غرق شدن مصریان در دریای سرخ را تماشا می کنند
- ۱۳۵ (تصویر ۶ - ۴۱): عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ
- ۱۳۸ (تصویر ۶ - ۴۲): عبور اسرائیلیان از دریای سرخ

فصل اول: کلیات پژوهش

۱ - ۱) مقدمه:

در این رساله به بررسی شمایل نگارانه پیامبران در دوران ایلخانی در ایران و دوره مقارن با آن، نگارگری کیلیکیه پرداخته می شود. علت این انتخاب تماس و تبادل دو فرهنگ اسلامی و مسیحی در دوره ایلخانی و تغییر و تحولات مذهبی، هم در ایران و هم در کیلیکیه است. حمایت معنوی دین و یا تحریم شرعی از مهمترین عوامل شکوفایی یا عدم پیشرفت هنر در مسیر تاریخ بوده است. هنر نگارگری مثال بارزی است که همواره تحت تأثیر منع و تأیید دینی بوده است. این هنر در اسلام و مسیحیت با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی هر یک از ادیان از ویژگی و جایگاه های متفاوتی برخوردار بوده اند.

در طول تاریخ، دوره هائی وجود داشته و همچنان وجود خواهد داشت که در کشور و یا حتی منطقه ای وسیع از جهان، فصلی کهنه از زندگانی هائی بسته و فصلی نو گشوده شده و خواهد شد که ایران در دوره ایلخانان و کیلیکیه مثال بارزی در این زمینه هستند.

پدیده مغول برای ممالک شرقی، خاصه ایران و ارمنستان، بلیه ای خانمان سوز بود که جدا از کشتار مردم و ویرانی ها، لطمه های جبران ناپذیری بر پیشرفت علم و فرهنگ و تمدن وارد آورد.

با ورود مغولان به ایران، بسیاری از سنت های فرهنگی و هنری بودائیان و مسیحیان که سعی داشتند حاکمان مغول ایلخانی ایران را به سمت خود متمایل سازند وارد فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی شد. در واقع حاکمان ایلخانی بدون توجه به احکام شرع اسلامی در مورد منع تصویرگری چهره، به ویژه اولیای الهی، دستور به نگارش کتب مصور همچون جامع التواریخ را با مضامین تاریخی دینی دادند. با توجه به رونق ادیان مسیحی و بودائی، در بدایت امر، این دسته از نگاره ها شدیداً تحت تأثیر سنت های رایج در نگارگری این دو تمدن قرار گرفت.

مقارن با آن، هنر نگارگری ارمنستان که در اواخر قرن یازده میلادی با رکود مواجه گشته بود، طی سه سده آتی در خارج از مرزهای ارمنستان یعنی در کیلیکیه که از شرایط سیاسی به نسبت بهتری برخوردار بود با رشد و شکوفایی چشم گیری مواجه گشت. در تاریخ هزار ساله مصورسازی کتب خطی ارمنی، نگارگری کیلیکیه مقام ویژه ای دارد. تعداد زیاد نسخ خطی باقی مانده از کیلیکیه حاکی از میزان اهمیتی است که در آن دوره برای تهیه کتب دستنویس مزین و مجلل قائل بوده اند. این آثار تا مدت ها بعد از نابودی کیلیکیه همچنان به عنوان منبع الهام مهمی توسط نگارگران ارمنستان مورد استفاده قرار گرفت.

در روند این پژوهش سعی شده است تا برای رسیدن به اهداف آن در هر یک از فصل های رساله عوامل و آثار تأثیر گذار بر نگارگری دوره ایلخانی (تبریز اول) و کیلیکیه به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت در فصل پایانی بر

اساس یافته های فصول قبل به تحلیل تطبیقی پنج موضوع انتخاب شده از نگاره های این دو دوره پرداخته شود. بنابراین ساختار رساله در شش فصل ارائه شده است:

در فصل اول، کلیات پژوهش مطرح شده است. فصل دوم، به بررسی تاریخی و شناخت اوضاع سیاسی و اقتصادی کیلیکیه می پردازد و هدف از آن احیای محیط و فضایی است که هنرمندان در آن آثار هنری خود را خلق کرده اند. فصل سوم، به بررسی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره ایلخانان می پردازد و شرحی بر گرایشات مذهبی ایلخانان که در هنر این دوره بی تأثیر نبوده است داده می شود و در بخش دیگر آن، به احوال رشید الدین فضل الله و اصلاحاتی که در زمان وزارت او در دولت پهناور ایلخانی ایجاد شد، پرداخته خواهد شد. فصل چهارم، به جریانات هنری کیلیکیه که شامل مراکز هنری و حامیان هنر می باشد خواهد پرداخت، تا در خلال آن نقش هنرمندان و حامیان آنان در به وجود آمدن تحولات این دوره مشخص گردد. فصل پنجم، به نقش و علاقه مغولان به تاریخ نگاری و تأثیر آن در ایجاد جامع التواریخ می پردازد. در این بخش، به ربع رشیدی، مکتب تبریز اول، جامع التواریخ، ویژگی های نگاره ها و هنرمندان احتمالی آن مورد بررسی قرار می گیرد. فصل ششم، به تجزیه و تحلیل شمایل نگارانه پیامبران در دوران ایلخانی و دوره مقارن با آن، نگارگری کیلیکیه می پردازد و چگونگی تجلی و تأثیر جریانات مختلف سیاسی، اقتصادی، فکری و هنری در فاصله قرن دوازدهم تا چهاردهم میلادی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲ بیان مسأله:

تماس با دیگر کشورها، واژگان هنری ایران و ارمنستان را غنی تر ساخت. به سخن دیگر، هر دوی آنها عموماً به طور یک جانبه پذیرای صرف این یا آن تمدن نبوده اند، بلکه در مسیر طولانی پیشرفت تاریخی خویش، ضمن مرادده با ملل گوناگون، به نوبه خود در برخورد عقاید، ایجاد ارزش های معنوی و فرهنگی به گونه ای مؤثر شرکت جسته و به پیشرفت کلی یکدیگر مساعدت کرده اند. این امر به خصوص در دوره استیلای مغول به وضوح دیده می شود. با استناد به شواهد تاریخی، وجود ملیت های مختلف در دربار ایران و ارمنستان، نشانگر این است که هنر نقاشی این دو کشور از کشورهایی چون چین، بیزانس و همچنین از همدیگر تأثیر پذیرفته است و طی سال ها دستخوش تغییرات و تحولاتی بوده است که هنر تصویرسازی کتب را به سوی شکوفایی سوق داده است. در این رساله سعی شده است که با اشاره به دگرگونی های بسیاری که در مکتب ایلخانان و کیلیکیه به وجود آمد، و بدون شک بر آفرینش هایشان بی تأثیر نبوده اند، زبان تصویری هنرمندان این مکاتب را، در به تصویر درآوردن شاهکارهای هنری شان، مورد بررسی قرار داده شود. بیشتر کتاب های ارمنی که مصورسازی شده اند موضوعاتی مذهبی دارند که در این میان *انجیل* ها، نسبت به سایر کتاب های دینی اعم از *تورات*، مجموعه دعاها و سرودهای مذهبی شمار بیشتری را به خود اختصاص داده اند. اوج هنر کتابت،

تذهیب و تزئین و به خصوص مینیاتور و آثار ماندگاری از این دست را باید در سال های آغازین قرن دوازدهم تا اوایل قرن چهاردهم میلادی در پادشاهی کیلیکیه جست و جو کرد که محدوده زمانی این پژوهش را تشکیل می دهد. در میان هنرمندانی که در حوزه پادشاهی کیلیکیه، به خلق آثاری ماندگار پرداخته اند می توان از تئوروس روسلین نام برد، که آثار او جایگاه مهمی را در مصورسازی کتاب های کیلیکیه و در فرهنگ ارمنی دوران قرون وسطی به خود اختصاص می دهند. یکی از دلایل انتخاب تئوروس روسلین، استاد نگارگر قرن سیزدهم، شاید این باشد که او نه تنها مسیر هنرمندان پیش از خود را ادامه داد، بلکه با نگرشی نوین و با تکیه بر خلاقیت و ابتکارات خویش این هنر را به تعالی رساند. از هنرمندان دیگری که آثار او در فصل تجزیه و تحلیل موضوعی نگاره ها مورد بررسی قرار می گیرد، استاد برجسته قرن چهاردهم میلادی، سرکیس پیتساک است که تأثیر زیادی بر هنرمندان قرن پانزدهم و شانزدهم ارمنستان گذاشت. به طور کلی، نگاره های کیلیکیه پر از ادغام و گرد هم آیی نمادهای چینی، اروپایی، ایرانی و خاور نزدیک است، شبیه آنچه نمونه اش در جامع *التواریخ* خواجه رشید الدین اتفاق افتاد؛ در جامع *التواریخ* نیز ویژگی های سه حوزه عمده هنری در آن ایام یعنی ایران، چین و بیزانس کاملاً آشکار است. دو نسخه عربی جامع *التواریخ* خواجه رشید الدین (که یکی از آنها در ادینبورگ و دیگری در مجموعه ناصر خلیلی قرار دارد)، از دیگر نسخ با ارزشی است که در این پژوهش به آن پرداخته می شود، در واقع می توان گفت جزو با ارزش ترین کتاب های دوره ایلخانی محسوب می شوند که از خلال حوادث جان سالم به در برده، و به دست ما رسیده اند.

۱-۳) پیشینه پژوهش:

آنچه درباره هنر نگارگری ایرانی و ارمنی و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر صورت گرفته، محدود به پایان نامه ای در دانشگاه الزهرا با عنوان «منظری بر چهار نگاره از انجیل مقدس هتوم دوم و شاهنامه بزرگ (دموت) در زمان سلجوقیان و ایلخانان» توسط آئی آرزومان آبرام یانس در سال ۱۳۸۶ می شود. این پایان نامه به لحاظ کار تطبیقی ارزشمند می باشد، اما برخی از اطلاعات و مطالب مندرج در آن اشتباه می باشد. البته چند مقاله نیز در فصلنامه فرهنگی و هنری پیمان، تحت عناوینی مانند «بررسی اجمالی مینیاتور ارمنی و سبک های آن» نوشته مارو تیر اروتونیان در سال ۱۳۸۰، «تئوروس روسلین و میراث هنری او» نوشته آرپی مانوکیان در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده اند که به صورت خیلی کلی به معرفی هنر ارمنی پرداخته اند.

بکر بودن موضوع و به تبع آن کمبود منابع مطالعاتی تخصصی پیرامون موضوع از جمله مشکلات این پژوهش است. نکته ای که در اینجا می توان به آن اشاره کرد این است که، منابع موجود در ایران درباره مینیاتورهای ارمنی بسیار محدود است و شاید بتوان گفت که در کتابخانه ها هیچ نمونه ای از آنها نمی توان یافت. البته تا کنون چند تحقیق عمیق در خصوص نگارگری کیلیکیه، هنر تئوروس روسلین، سرکیس پیتساک و دیگر هنرمندان ناشناس فعال در کیلیکیه صورت

گرفته است که مهمترین آن کتابی است تحت عنوان «نگارگری کیلیکیه از قرن دوازده تا چهارده م.» که توسط در نرسیسیان^۱ به زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۳ در دو جلد به چاپ رسید. در این کتاب به نمونه هایی از هنر ارمنی (معماری، نقاشی دیواری و ...) به صورت مختصر پرداخته شده و سپس به شکل تخصصی به نگارگری کیلیکیه می پردازد. از دیگر آثار مهم در این زمینه کتاب دیگری به زبان انگلیسی، با عنوان «نگارگری ارمنه از قرن دوازده تا قرن چهارده میلادی» می باشد که توسط ا. درامپیان^۲ در سال ۱۹۸۴ م. انتشار یافته و در سال ۲۰۰۰ تجدید چاپ شد. این کتاب به بررسی آثار نگارگری ارمنه در ارمنستان، کیلیکیه و دیگر کشورها می پردازد.

درباره دوره ایلخانی و کتاب جامع *التواریخ*، کتب، پایان نامه ها و مطالب متعددی نوشته شده است که از مهمترین آنها می توان به کتاب «خلاصه ای از تواریخ: تاریخ مصور جهان رشید الدین» اشاره کرد که توسط شیلا بلر^۳ در سال ۱۹۹۵ نوشته شده است. این کتاب به بررسی نسخه جامع *التواریخ* مجموعه ناصر خلیلی به صورت مفصل می پردازد. از دیگر منابع مهم، «مصورسازی های تاریخ جهان رشید الدین» نوشته تالبوت رایس^۴ است که به نگاره های موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ اختصاص دارد. دو پایان نامه نیز در دانشگاه هنر با عناوین «بررسی تصویری چند نگاره از جامع *التواریخ* محفوظ در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ» نوشته فاطمه زارع خلیلی در سال ۱۳۸۹، و «بررسی پنج نمونه تصویری از جامع *التواریخ* و پنج نمونه تصویری از شاهنامه بزرگ مغولی به عنوان دو اثر برجسته دوره ایلخانی» نوشته مریم ابراهیمی در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته است. اما در این میان تلاشی جدی در خصوص مقایسه دوره کیلیکیه در ارمنستان و دوره ایلخانی در ایران صورت نگرفته است.

۱-۴) اهمیت و ضرورت پژوهش:

ضرورت انجام این پژوهش کمبود منابع تخصصی فارسی و حتی ارمنی در خصوص اشتراکات نگاره های ایلخانی و کیلیکیه، به رغم غنا و ارزش های والای این آثار است. در این مقام گفتنی بسیار است، از چگونگی تأثیر و تأثر این نگاره ها بر یکدیگر تا مقایسه آنها با هنر دیگر اقوام. در هر یک از این عوامل اسراری نهفته است و در آن لطایفی موجود است که باید مورد پژوهش قرار گیرد.

^۱ Sirapie Der Nersessian

^۲ Drampian

^۳ Sheila Blair

^۴ David Talbot Rice

۱ - ۵) اهداف کلی و تفصیلی پژوهش:

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا از طریق بررسی آثار نگارگری مکتب ایلخانی (تبریز اول) و کیلیکیه، امکان آشنایی بیشتری با این مکاتب به مثابه سازنده بخش مهمی از فرهنگ های ارمنی و ایرانی فراهم شود. شاهکارهای این دو مکتب، فارغ از اینکه در کدام مکتب تولید شده اند، همواره دارای نگاهی مشترک و بینش هنرمندانه ای هستند. شالوده فعالیت این مکاتب، پیوستگی و ادغام فرهنگ های مختلف در یک کل منسجم است. آنان در مسیر طولانی پیشرفت خویش، ضمن مراوده با ملل گوناگون، به نوبه خود به پیشرفت یکدیگر مساعدت کرده اند، که این امر به خصوص در دوره استیلای مغولان به وضوح دیده می شود.

۱ - ۶) سوالات و فرضیه های پژوهش:

- چه اشتراکاتی میان نسخ خطی مصورسازی شده در کیلیکیه و جامع التواریخ می توان یافت؟
- نقش داستان های کتاب های مقدس در این میان به چه صورت بوده است؟
- تلفیق فرهنگ، ایران، بیزانس و چین، تا چه میزان در بوجود آمدن این آثار مؤثر بوده است؟
- مراکز هنری، حامیان هنری، و رویدادهای سیاسی و اقتصادی چه نقشی در به وجود آوردن این آثار داشته اند؟
- بر اساس پرسش های مطرح شده، فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر می باشد:
- نگارگری مکتب ایلخانی (تبریز اول) و کیلیکیه، دارای نگاه و بینشی مشترک هستند.
- در نگاره های این دو مکتب، داستان های کتاب های مقدس، به صورت خلاقانه ای مصور شده اند.
- مراوده با ملل گوناگون و ادغام فرهنگی، در پیدایش این آثار تأثیرگذار بوده اند.
- جریانات هنری، شامل مراکز و حامیان هنری و رویدادهای سیاسی و اقتصادی، از عوامل تأثیر گذار در به وجود آمدن شاهکارهای هنری این دو دوره بوده اند.

۱ - ۷) روش و شیوه های مورد استفاده پژوهش:

روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای خواهد بود.

فصل دوم: کیلیکیه

مروری بر زمینه های تاریخی پژوهش

در این فصل وضعیت تاریخی، رویدادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کیلیکیه، از ورود ارامنه به این منطقه تا نیمه اول قرن چهاردهم میلادی، و تأثیر این جریانها در شکل گیری نگارگری کیلیکیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱) بررسی تاریخی کیلیکیه:

سرزمین کیلیکیه^۱ یکی از سکونتگاه های کهن بشری است که نام آن در بسیاری از متون مربوط به دوره باستان از جمله در کتاب های هرودوت^۲ و گزنفون^۳ به ثبت رسیده و به سبب موقعیت حساسش همواره در طول تاریخ مورد توجه فاتحان بوده است.

پادشاه آشور، سلمانصر سوم، در یکی از کتیبه های خویش، متعلق به ۸۳۴ ق. م، اشاره ای به نبردهای خود و فتح این سرزمین کرده است.^۴ در دوره حکومت هخامنشیان، کوروش، بنیان گذار این سلسله، موفق شد کیلیکیه را مطیع خویش سازد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۱۳۷) و در دوره داریوش اول، کیلیکیه، چهارمین قلمرو ساتراپی مهم بوده است. برمبنای بخشی از همین متون اشاره شده، اسکندر مقدونی این سرزمین را از جمله متصرفات خود می دانست و پس از او پادشاهان سلوکی آن را تحت حکومت خود درآوردند. کیلیکیه قبل از ظهور اسلام به بیزانس تعلق داشته است و در طول قرن هفتم میلادی، اعراب در پی فتوحاتشان بخش هایی از این سرزمین را تصرف کردند، که تا قرن دهم میلادی جزو محدوده سرزمین های فتح شده آنها باقی ماند.

(Marshall Lang, 1970: 200)

در نیمه دوم قرن دهم میلادی و در فاصله سال های ۹۶۳-۹۶۵ م، نیکه فوروس دوم^۵، این سرزمین را جزو قلمرو امپراتوری بیزانس قرار داد.

(Chahin, 2001: 242 – 243)

^۱ منطقه ای در جنوب فلات مرکزی آناتولی که در ساحل دریای مدیترانه و شمال جزیره قبرس قرار گرفته و امروزه جزو کشور ترکیه است.

در ارمنی کیلیکیا (Կիլիկիա) در لاتین سیلیسیا (Cilicia) و در ترکی استانبولی (Kilikia).

^۲ Herodotus (484–425 BC)

^۳ Xenophon (430 – 354 BC)

^۴ برای مطالعه بیشتر ر. ک:

Hovannisian, Richard; Payaslian, Simon (2008). *Armenian Cilicia*. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers.

^۵ Nicephorus II (912- 969)



(نقشه ۲ - ۱): نقشه تاریخی از گستره شاهنشاهی هخامنشیان، حدود ۵۰۰ ق. م.

(http://www.lib.utexas.edu/maps/historical/shepherd/persian_empire.jpg)

لیکن تاریخ کیلیکیه در قرن یازدهم میلادی مصادف با یکی از مهم ترین رخداد‌های تاریخ ملت ارمنی است: ظهور حکومتی ارمنی در سرزمین کیلیکیه که در اندک زمانی تبدیل به قدرتی مستقل با ابعاد نظامی، سیاسی و فرهنگی در خور توجهی شد. به گونه ای که بخش اعظمی از حوادث مربوط به پادشاهی کیلیکیه در متون تاریخی مورخان اروپایی هم روزگار آن در ذیل عنوان های بارون نشین جدید ارمنی، ارمنستان جدید یا ارمنستان صغیر^۱ به نگارش در آمد و تا سده های بعد نیز مورد بررسی قرار گرفت.

(Aghayan & Others, 1976: 671)

۲ - ۲ سیاست:

شرایط سیاسی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ و هنر هر جامعه ای می باشد، لذا در این بخش به بررسی وضعیت سیاسی کیلیکیه بین قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن چهاردهم میلادی می پردازیم.

^۱ Poker Hayk